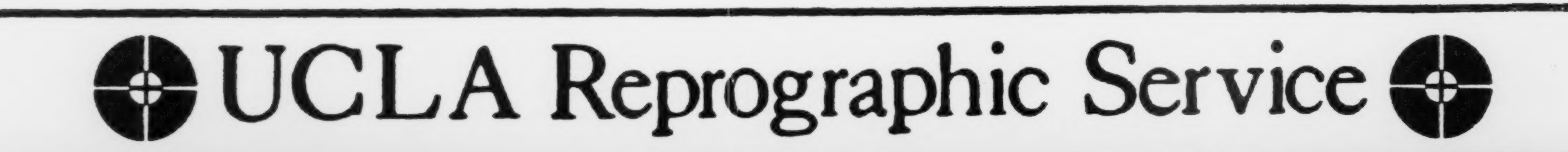
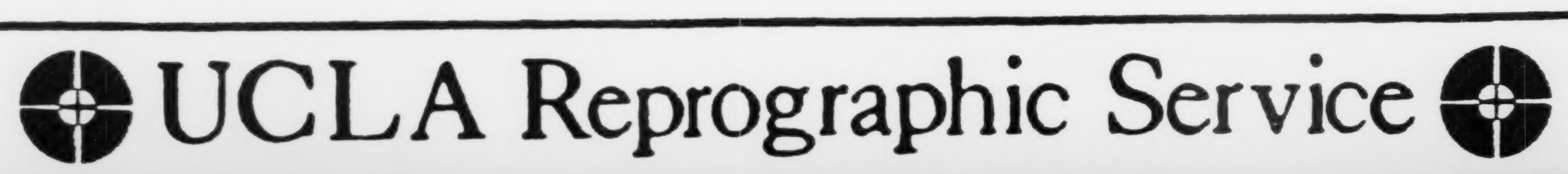


START



REEL 70






UCLA

National Preservation Program for Biomedical Literature:

Preservation of Persian and Arabic Medical Manuscripts

Funded in part by the
National Library of Medicine
and the
University of California at Los Angeles

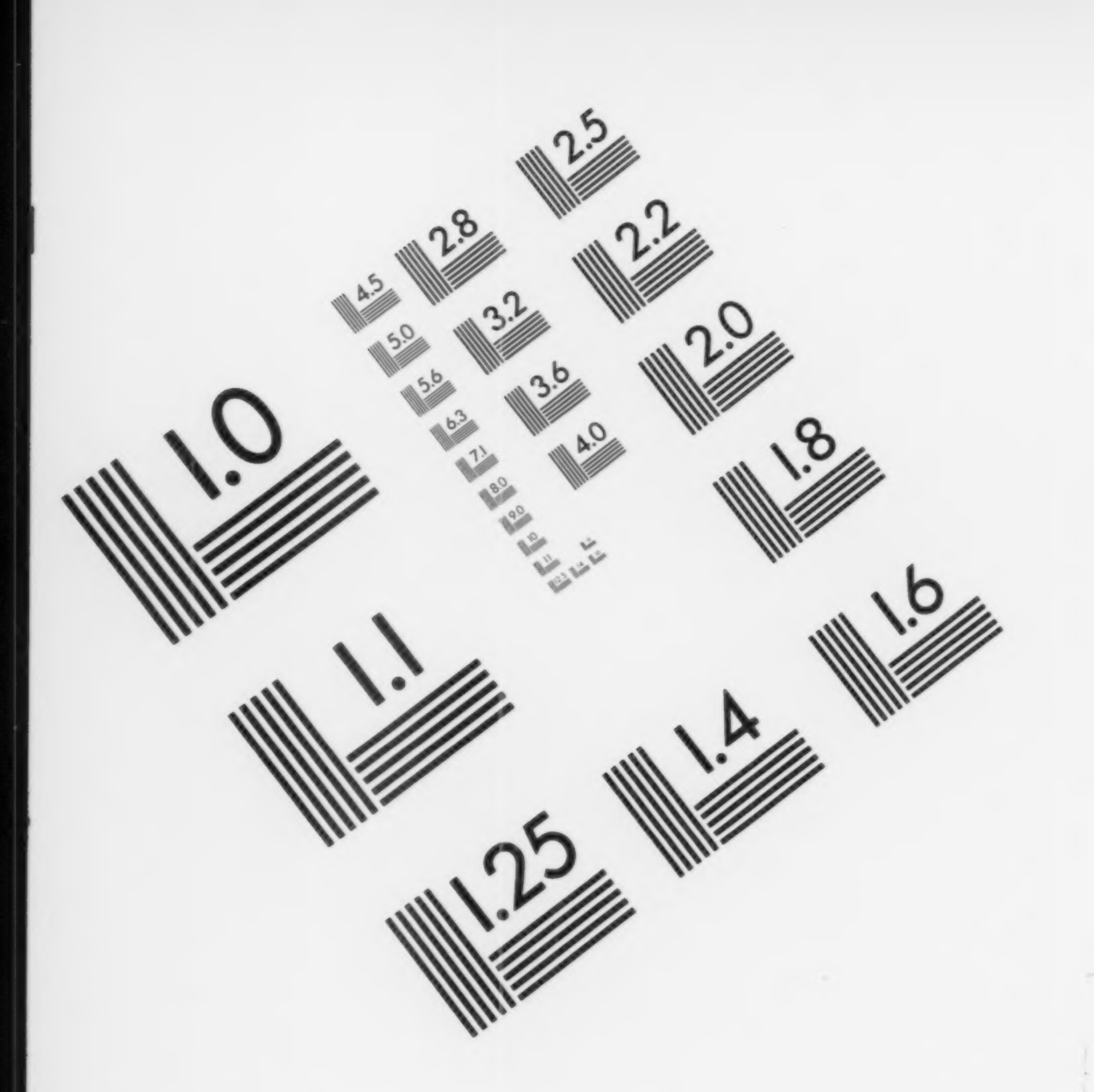
(Contract Number N01-LM-9-3534)

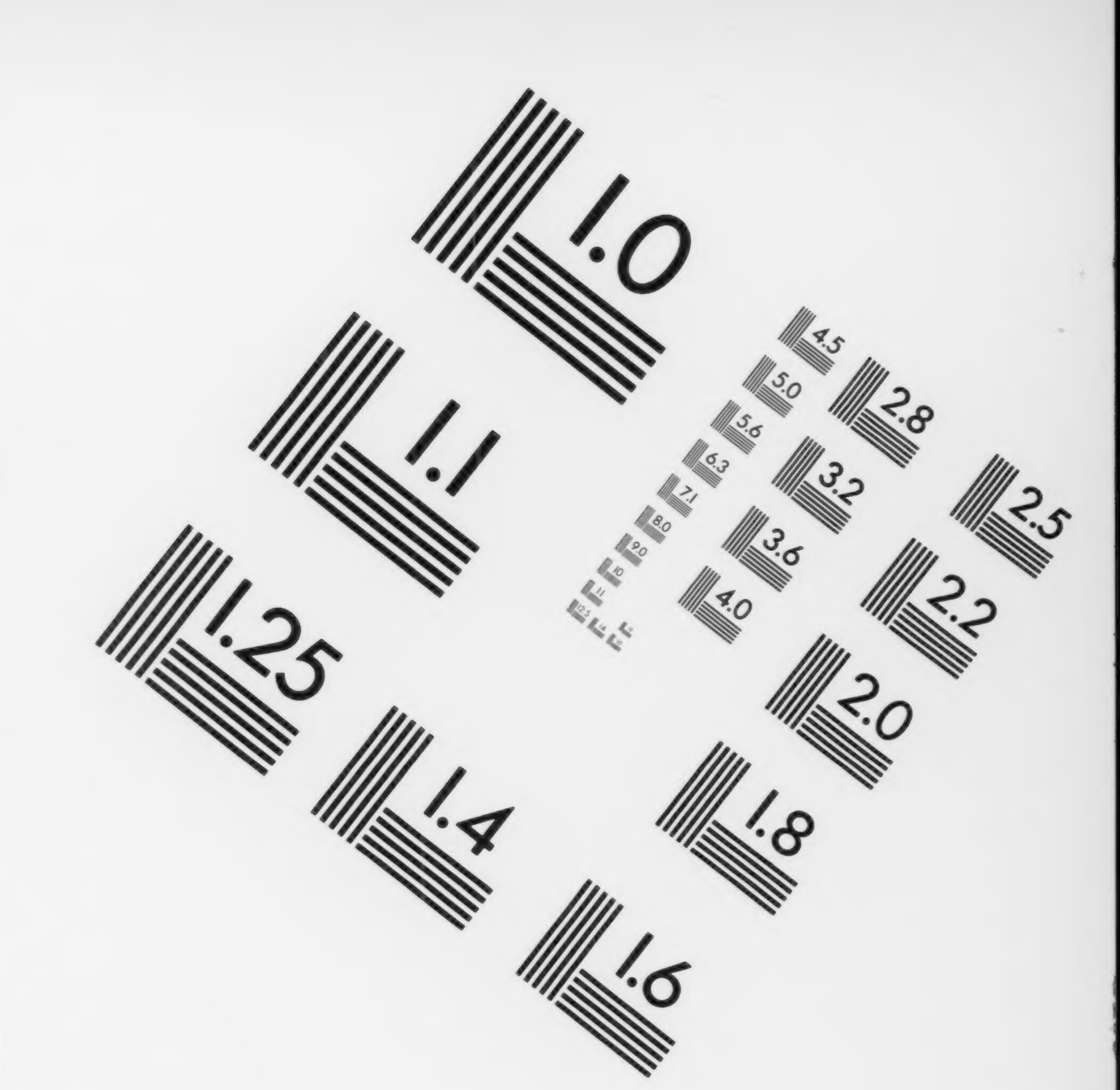
October 1989 - September 1990

The material on this microfilm
is of varying quality. Portions
of the material may illegible due to:

Aged paper
Foxed, stained, or insect
damaged paper
Water damaged paper
Glossy paper
Illegible script or faded ink

Red and purple within the
manuscripts may appear paler.



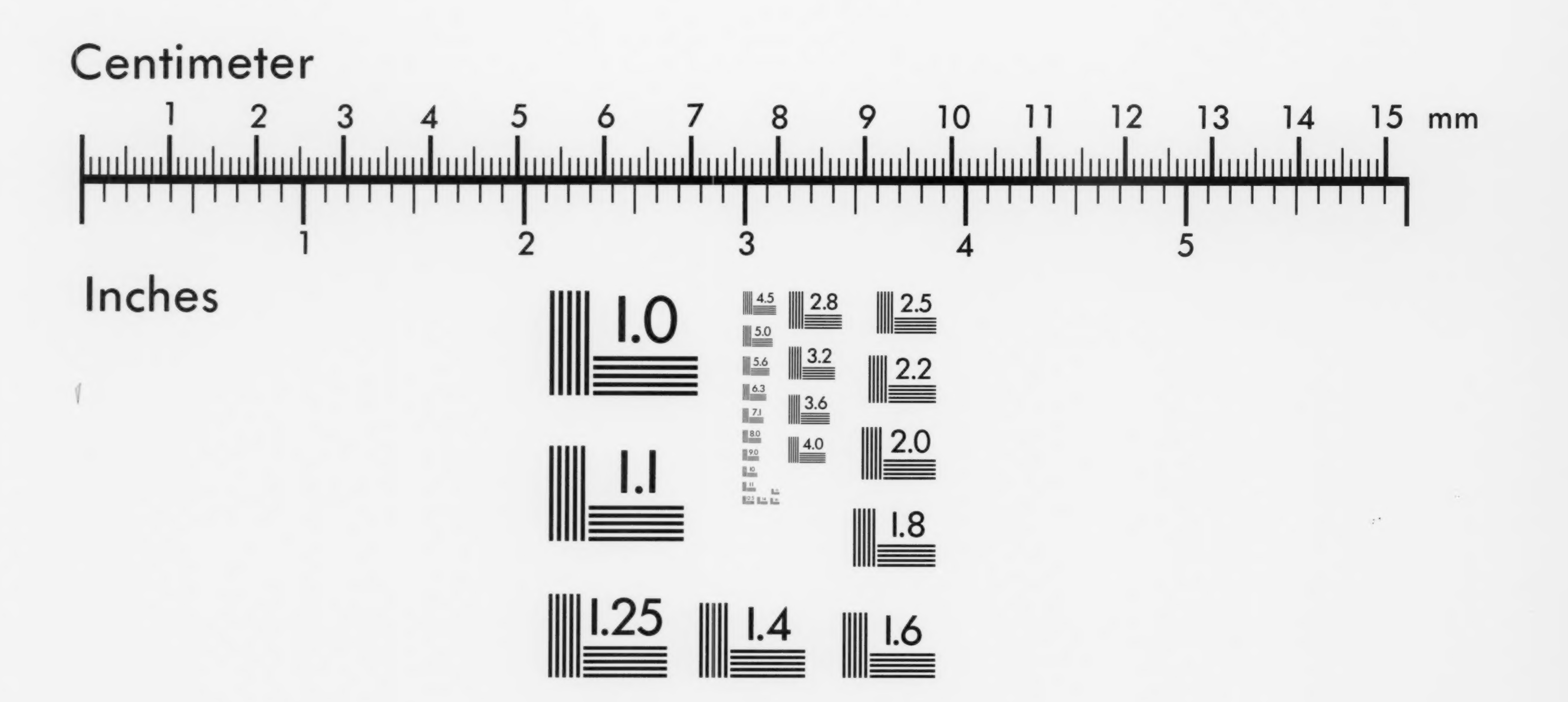


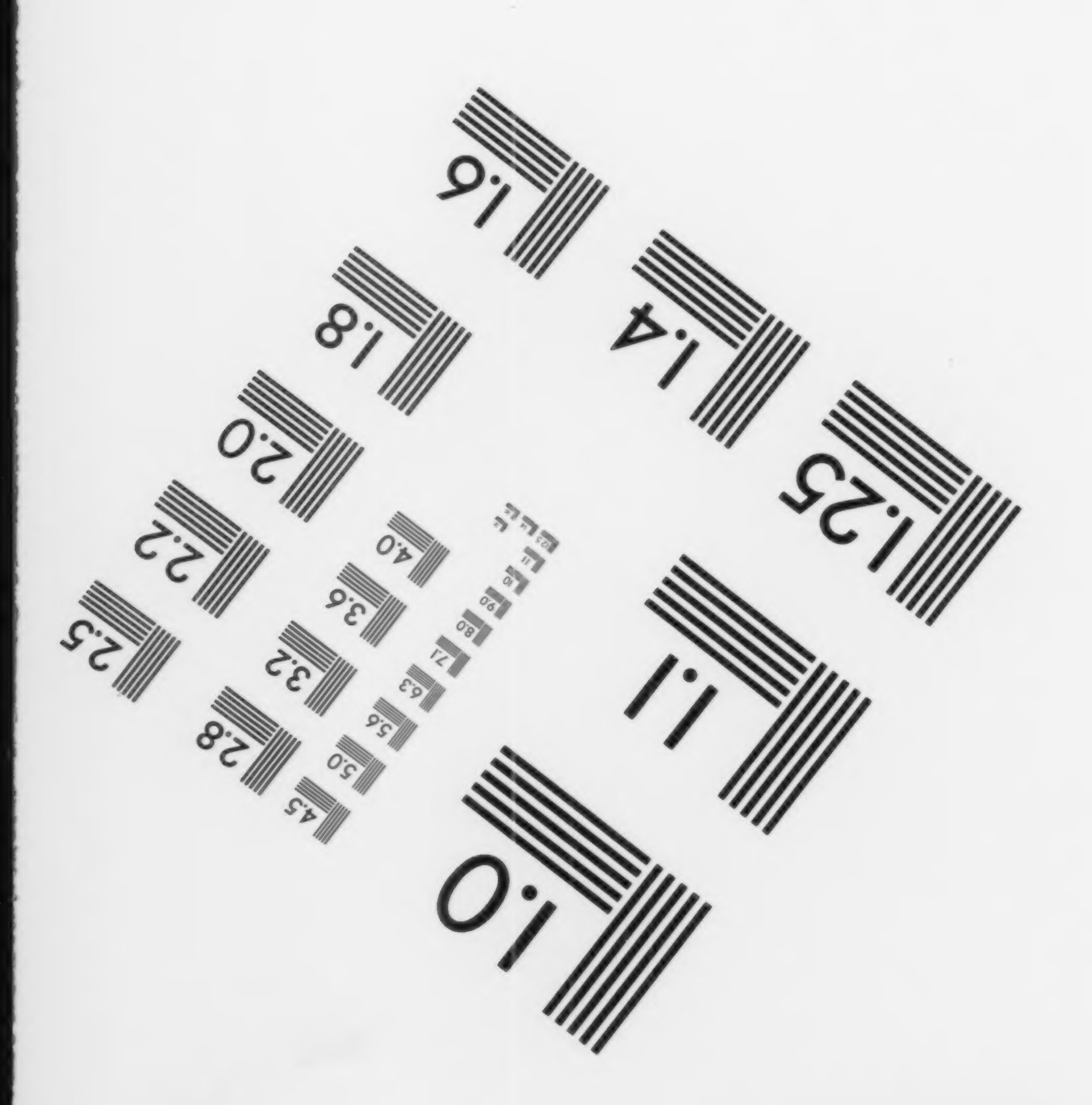
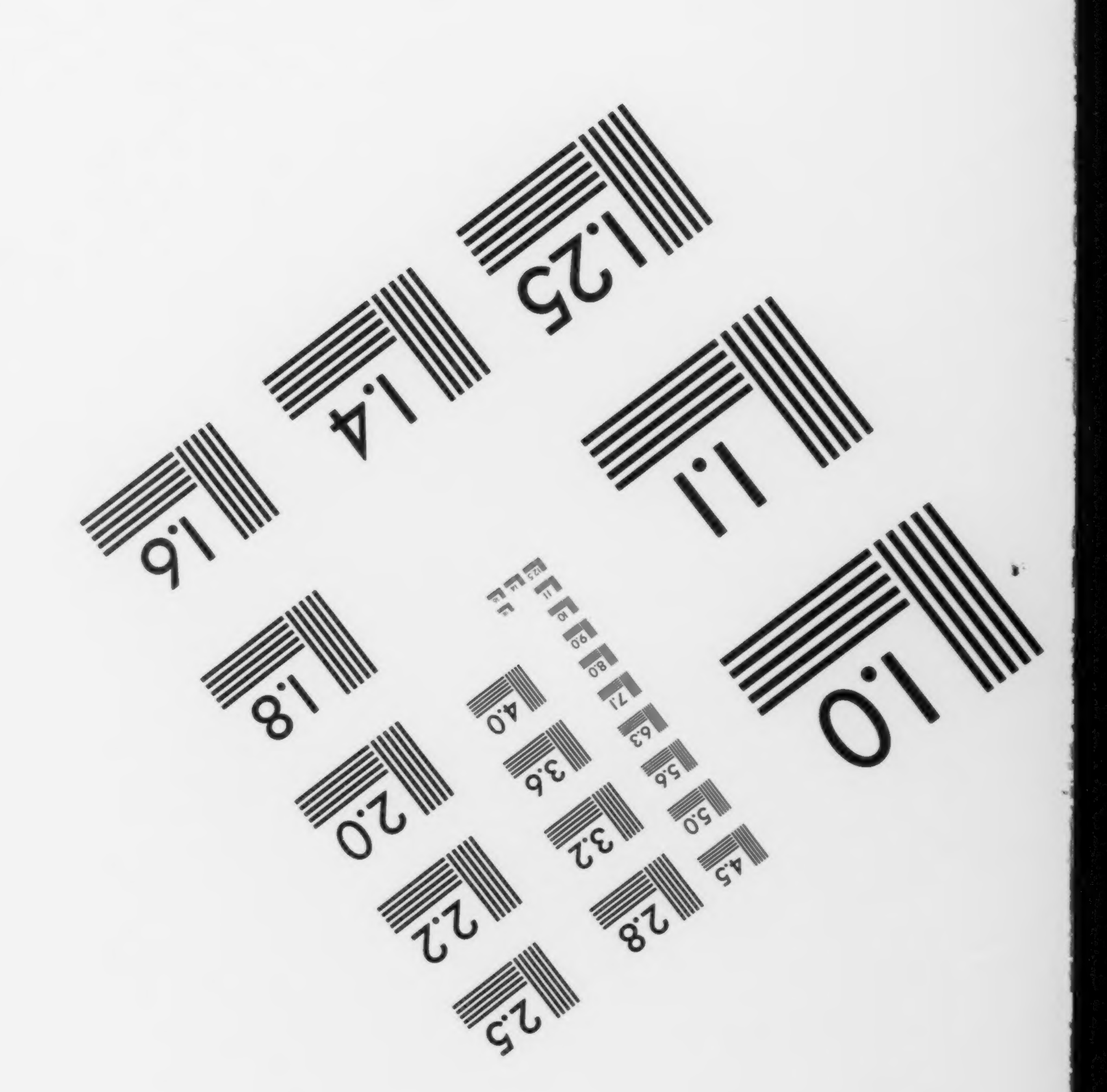
AIIM

Association for Information and Image Management

1100 Wayne Avenue, Suite 1100
Silver Spring, Maryland 20910
301/587-8202

MS303-1980



MANUFACTURED TO AIIM STANDARDS
BY APPLIED IMAGE, INC.

Los Angeles,
University of California

Louise M. Darling Biomedical Library

History and Special Collections Division

Persian Medical Manuscript Collection

(Shelved as Ms Collection 60)

*Ms.
coll. Persian medical manuscripts. -- ca.
no.60   1100-ca. 1900.
RARE   150 v. ; 15 x 8-38 x 24 cm.

Entire collection microfilmed as part of a National Library of Medicine preservation project: the preservation master negative is at NLM; the printing master negative is at the University of California's Southern Regional Library Facility; a positive copy is housed in the UCLA Biomedical Library's History Division.

Formerly a part of: Near Eastern manuscript collection, Dept. of Special Collections, University Library, University of Califonia, Los Angeles, and assigned accession no. 1117. Transferred to the History Division of the UCLA Biomedical Library in

CLU-M ejf 891113 CLUHsl SEE NEXT CRD

*Ms.
coll. Persian medical manuscripts. ... ca.
no.60   1100-ca. 1900. (Card 2)
RARE   March, 1986.

Finding aids: Annotated and indexed list available in library: Richter-Bernburg, Lutz, Persian medical manuscripts at the University of California, Los Angeles : a descriptive catalogue (Malibu : Undena Publications, 1978)

1. Medicine, Arabic. 2. Manuscripts, Medical. I. University of California, Los Angeles. Louise M. Darling Biomedical Library. History and Special Collections Division. II. Series: Near Eastern manuscript collection ; no. 1117.

CLU-M ejf 891113 CLUHsl

Persian Medical Manuscript Collection

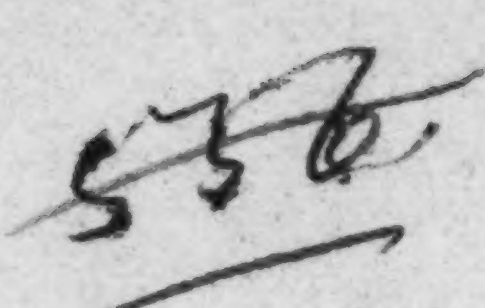
Ms. 70

(Richter-Bernburg No. 218)

Author: Pseudo-ʿAlī b. Mūsā ar-Riḍā

Title: Resālä-ye ẕahabīyä

21 fols., 143 x 80 mm




SEAL OF THE UNIVERSITY OF CALIFORNIA
LET THERE BE LIGHT
1868

BLANK PAGE

BLANK PAGES

BLANK PAGES

1

BLANK PAGES

بسم الله الرحمن الرحیم

بر ضمایر آگاه دلهای ارباب هوش و بینش پوشیده
نیست که نزهت طلبان ریاض معانی را شگفته
باین طراوت مشام آرا و طراوت فیض گلشنی باین
شادمانی نزهت پیرا نبوده چشم بد دور
طرفه تماشا بیست که از نزهت [illegible] گلستانی
روشنی بخش صبح امید و نشر صبا [illegible]

دارا [illegible] صحاب کمال را [illegible]
سخن رشته خرسند نما د ارباب استعداد را
نقد [illegible] رسانی حوصله ادراک فیض [illegible]
چمن طراز لباس گلشن آرای ریاض [illegible]
[illegible] فیض [illegible] جواهر اسرارش [illegible]
[illegible] بلند پایه که انجمن [illegible] استعداد
نشین [illegible] استعداد و رنگ آرای [illegible]
[illegible] که عرصه سخن [illegible]
[illegible] فرمانروائی [illegible]
[illegible] گشائی قلم [illegible]

برازندگی هوشیاری فکر مایش اندیشه زاد است
تصرف داده از پیامبر وی ذهن ما پیش ناطقه را مغز
میاز جرعه نوشش منیجانه آگاهیش محیط انسان
صهبای حقیقت مصفی بردانایان موزا کاهی
مخفی نماناد که مامون الرشید از خدمت جناب علی
بن موسی الرضا علیه الاف التحیة والثنا استدعا
نمود که آنحضرت رساله بجهت صحت جسم و بدن [illegible]
موقوف تن نویسد لهذا آنحضرت [illegible]
الله وسلامه علیه [illegible]
[illegible] لاستعط [illegible]

انشا فرمود و بجهت مأمون روانه کرد و این رساله
مشهور به ذهبیه است و چون غرض بود جمیع انام
من الخواص والعوام از آن مستفیض شوند لاجرم
توضیح آن بفارسی نموده شد که همه کس [illegible]
بدن و ارواح و قوی را از اسقام و آلام
در نموده امام تمام انام محفوظ و مصون دارند
وانه یحق الحق و یهدی السبیل بدانکه ای مأمون که
حق سبحانه و تعالی هیچ دردی نیافرید که در برابر
آن درمانی ننهاد و این تن آدمی را بر مثال مملکتی
بنا کرد و پادشاهی و منشور آن مملکت را بدل داد

و پادشاه این مملکت دلست و شهرستان او کالبد
و خزینه او معده و سراپرده او سینه و غلامان او
رگها و پیها و یاران او دو دست و دو پای و دو
چشم و دو لب و دیگر زبان و این دو دست بر مثال
دو غلام ایستاده تا هر چه آن پادشاه میخواهد می
آرند و هر چه نمیخواهد از وی دور میکنند و دو پای
بر مثال دو فرسند تا پادشاه را بهر جا
که او میخواهد میبرند و دو چشم بر مثال دو دیدبانند
که در مملکت نظر میکنند و دو گوش بر مثال دو نقیب که
هر چه میشنوند و میدانند فی الحال بسمع پادشاه میرسانند

و دندان اسیا هامون کاین پادشاه هیچ کاری نکند
بشتاب چون از زبان و لب سخنی بشنود یعنی
تامل کند و تفکر نماید پس آنرا که ترجمان دلست
فرمان دهد بجواب و این زبان مستغنی از معاونت
لب و مساعدت دندان و سخن نیست بلکه از آنها
مبنی که آن بمنزله سپیدست دربانی و این دو سپید
در حوالهٔ زبانست بر مثال دو در و این دو دست آن دو دربان
بر مثال دو دربانند که اگر بوی ناخوش آید در حال
دربان برد و در را بگیرد تا آن بو بسوی حجره پادشاه
نرود دیگر بفرمان او دندان اسیا هامون که این پادشاه

هم ثواب است و هم عذاب ثواب او شادی است و عذاب او
اندوه خانه شادی گردد و خانه اندوه ویران
گردد و رنگ چهره پیوسته از آن دو رنگ بیرون آید
بچهره رسیده و چهره را بهره میرسد و لون طراوت
پیدا میکند و از سپرز نیز بود که بچهره رسیده
و آنچه از اندوه سپرز حاصل کند بچهره رسانیدن
رونق چهره بسپرد و این گفتار یکی از غلامان
این پادشاه هند اگر کسی خواهد که بحقیقت رسد
تامل کند در حال دارو خوردن تا بیند که عامل این
پادشاه از راه عروق چگونه دارو بموضع مجمل درد

برسد

4

میرساند و بدان ای مومن که تن بمثال زمینست
و جمال اگر او را تعهد کنی بعمارت و تیمار داری
با آب و از فساد نگاه داری در طعام و شراب
آبادان گردد و مرغزارش سبزه و خرم شود
درختانش تازه گردد و اگر رها کنی و ترک تیمار کنی
و عمارت و زراعت آن زمین را بکنی و جمله خار گیرد
و خراب شود تدبیر این زمین و عمارت آن نیز
که هر طبیعت را اشتهایی که خورد به پرورش او بدان بود
و غذا چون بسیار خورد آخر بیماری پیدا شود
و چون اندک خورد غذای بدن نشود و دست از طعام

خوردن باز باید داشت در حالی که هنوز رغبت طعام باقی
باشد ای امون ترتیب طعام نگاه دار هم در وقت
و هم در مقدار چه در تابستان و چه در زمستان
در تابستان در اول و یا آخر روز طعام بخورند
و در زمستان در میانهای روز و در زمستان
بمقدار بیشتر خورد از تابستان و در تابستان غذاهای
سرد خورد و در زمستان طعامهای گرم و در فصل بهار
و خزان معتدل و اشد الطباع [illegible]
دستگر آسوده باش و ترتیب چنان باید که در هر دو
روز سه بار طعام خوری اول روز بامداد شبانگاه و

در روز

و روز دوم بعد از آنکه هشت ساعت روز بگذشته باشد
و تا شب محتاج بطعام نشوی و در آن شب دیگر
طعام نخوری مگر شرابی حلال که حد لازم است باید
صفت شراب حلال بگیر مویز منقّی ده رطل و پاکیزه بشوی
و در خمره کن و آب صافی از وی زیاده چندانکه
چهار انگشت آب از سر وی بگذرد و سه شبانه روز
بگذار اگر زمستان بود و یک شبانه روز اگر تابستان
و اگر آب باران بود بهتر باشد و بعد از آن
در دیگ کن و آتش آهسته بجوشان چندانکه
پخته شود بعد از آن مویز را بیفشار و آب در [illegible]

کن و دیگر بار در دیگ ریز و باتش نرم با اندازه
باز آید چنانچه دو بخش برود و یک بخش بماند بعد از آن
یک رطل عسل خالص صافی در وی کن و بر وی دیر نرمی
بجوشان تا باندازه اول باز آید و عسل در میانه
ناپدید شود و این ادویه را سوده و بیخته در
کرباس یا پارچه سخت محکم ببندد و در دیگ انداز
صفت ادویه زنجبیل یکدرم ونیم قرنفل یکدرم ونیم
زعفران یکدرم ونیم دارچینی یکدرم ونیم حب البلسان نیم درم
عود خام نیم درم مصطکی نیم درم همه در کیسه کرده
سرش ببندد و در دیگ اندازد در آن وقت که

انگبین کرده باشی و چون شربت قدری بقوام آید
کشد دو به را از وی بردار و بعد از آن شربت را
در خمره کرده سرش را محکم کن و شش ماه بگذار
و بعد از آن بقدر حاجت بکار دارد و شربتی
دو دانگ ده درم باشد و چندان آب بایر و بخورد
پس امین باد از حضرت الله تعالی شربت دروی زیرا
از اوجاع بارده فرمنه مثل نقرس و ریاح را
از اوجاع عصبی و دماغی و معده و بعضی از اوجاع
کبد و سپرز و امعاء و احشای ما مؤمن بدان که
چون طعام خوردن بدین صفت که گفتم اشتهای



و شراب خوردن نیز به قدح لطیف لقی که مقرر شد
احتصار کنی حفظ صحت کرده باشی خود را از بیماری
نگاه داشته و مدد قوت حیات باز بسته
[illegible] مساعدت بدن باز بسته است این
[illegible] چون [illegible] سرد است و زود متغیر
گردد و بر یک [illegible] قرار نگیرد کالبد نیز بسبب هوا
تغیر پذیرد و چون هوا استقامت گیرد طبیعت از تغیر
ایمن گردد و سلامت پایدار [illegible]
نهاد آدمی بر چهار طبع [illegible] خون
بلغم و سودا دو گرم و دو سرد و خلافی در میان

17
8

16

BLANK PAGES

BLANK PAGES



بجا آرد اگر از لقوه و جذام و برص خلاص شوی و
محفوظ مانی و بعد از شید طعام شور و نمکین مخور که
بهم کرد و خارش اعضا بود و در زمستان بعد از
حجامت بعوض آب آن شرابی که شرح داده شد
قدری بخور و قدری روغن بنفشه جو و بمال و آب
گرم بر سر ریز و در تابستان بعد از حجامت
سکنجبین خور و روغن بنفشه با گلاب و کافور
با سر و بر خویشتن بمال و حرکت مکن و تخم مرغ ماهی
در آنحال نشاید خورد که اجتماع این دو طعام
قولنج آرد و بواسیر انگیزد و برص خیزد

BLANK PAGE

نقرس آرد و مداومت نمودن بر خوردن بسیار
بر روی کلف آرد در گرمابه رفتن با امتلا قولنج
آرد و باد بواسیر انگیزد و غسل کردن با آب سرد
بعد از خوردن ماهی تازه فالج آرد و بر خوردن
انجیر مداومت نمودن بر بین شپش آرد و بر خوردن
آب سرد بعد از شیرینی و طعام گرم دندانها را
زیان دارد و بسیار خوردن گوشت گاو سنگ و دیگر
حیوان بری عقل را بپوشاند و نسیان آرد و خوردن
جنس ذات و تر بلغم افزاید و سپیدی بدن
پیدا شود در تدبیر حمام چون خواهی که بگرمابه روی

پنج کف آب گرم تناول کن تا بر سر ریز تا از درد سر
ایمن گردی و از آب سرد خوردن در حمام پرهیز کن
و بدانکه ترکیب حمام بر مثال ترکیب آدمی
نهاده اند حمام چهار خانه است چنانچه ترکیب
آدمی چهار طبیعت خانه اول سرد و خشک
و خانه دوم سرد و تر و خانه سوم گرم و تر
و خانه چهارم گرم و خشک و منافع گرمابه
بسیار است و فواید او بشمار یکی آنکه طبیعت
را تازه دارد و اعتدال دهد دوم آنکه فضول
و عفونات دفع کند باطن را آسایش دهد و ظاهر را

آرایش و پاکیزگی دهد و هر که خواهد که در بشره
او هیچ رنجی پدید نیاید و صاف بود باید که
منی نگاه دارد و هر که خواهد که حفظش زیاده
شود بر وی باد که هر روز قدری زنجبیل پرورده با
انگبین و سه عدد هلیله پرورده با نبات بخورد
و خوردن سپندان با نان خاطر را تیز کند و هر که خواهد
که از درد گوش ایمن باشد بر وی باد که وقت خفتن در
سوراخ گوش را با پارچه پنبه محکم کند و هر که خواهد
که موی خود را سیاه و تباه نشود باید که ناخن را
روز پنجشنبه بچیند هر که خواهد که همه وقت دندان

از زکام ایمن گردد باید که هر روز سه لقمه از شهد
تناول کند و حب السودا با عسل خوردن
در همه وقت ایمن گرداند از زکام و اگر پی عسل
خورند نیز همین فایده دارد و همچنین در تابستان
از خوردن خیار و دوا آفتاب نشستن احتیاط باید
کرد و هر که از درد شقیقه و پهلو نترسد بر وی باد که در
زمستان از خوردن ماهی و تخم احتیاط باید
هر که خواهد که بامداد سبک برخیزد باید که
طعام و خربزه شبانگاه نخورد و هر که از درد کمر
نترسد بر وی باد که پیوسته شیره کاسنی و سکنجبین خورد

و هر که خواهد که ایمن گردد از درد دل
و پیچ گوش و تباه شدن کام نزد باید که بعد از
خوردن شیرینی نرود وام لبسبر که غرغره کند
رسد از ریختن دندان و تباه شدن آن بیرون آب
باید بعد از خوردن شیرینی قدری نان در دهان
گیرد و بخاید و هر که خواهد که مبتلا نگردد بدرد دندان
نشود بر وی باید که بعد از شیرینی آب سرد نخورد
و در آن خانه که در تابستان نشسته در زمستان
ننشیند و در زمستان از خانه گرم ناگاه بیرون
نیاید و هر که خواهد که ایمن شود از بادهای مختلف

باید که در سالی هفت روز سیر خوردن عادت کند
و هر که خواهد که طعامش زود هضم شود
بر وی باید که تکیه کند بعد الاکل بر طرف راست
و بعد از آن برگردد بر طرف چپ و خواب کند
و هر که خواهد که از بلغم ایمن شود بر وی باید که هر روز
قدری زیره بخورد و بگرمابه بسیار رود و از زنان
بپرهیزد و از نبیذها مجتنب باشد و هر که
خواهد که قوت شهوت زیاده شود بر وی باید که طعام
چرب و شیرین خورد و آسایش گزیند
و جامه نرم پوشد و از اغذیه سرد و خشک پرهیز نماید

BLANK PAGE

و هر که خواهد که لهیب صفرا انشاند مزروره پرچیزهای
سرد و تر بخورد و برونج بدن نکند و حجر گت
کم نماید و کسی را که مداومت داشته باشد باک
نظر کند و هر که خواهد که سودا را دفع کند
باید که قی نماید و مداومت بسوزن گردن کند
و هر که خواهد که باد از هر طرف شود باید که
حقنه کند و روغنها بر جنبد مالد و شکو علاج
دفع بلغم آنست که هر روز قدری اطریفل
خورده شود در تدبیر مسافر شرط است که
مسافر از گرما به برخیزد تا باشد و شکم او تهی باشد

و سور شلان گرم و گران باشد و مداومت
نمودن آن را مداوات شطر و چرب نبات ربیع
و جذام در بدن کند و سبب نفرت
او آنست که یکی ایستاده واقف باشد
وا بیما بر روی باید و لطیف اجزای او را
بتحلیل شدید و کثیف را از صینه را برود غالب
میگرداند و بدان آهی باشوبن که هر که این تدبیرها
نگاه دارد و بدین طریق عمل نماید از انواع
بیمار حساب سلامت یابد و فراحیس بر حال لیت
اعتدال باقی ماند و صحت و تن درستی او

BLANK PAGE



استعداد داشته باشد بنا و اگر ما مؤمن
التفات کند سخنهای کسانیکه این علم را
ندانند و نخوانده باشند و از عاقبت
نیندیشند و همه اوقات شهوت راننده
عمر را بغفلت گذرانند و زود کار ضایع
کنند و گویند چند وقت شد و مدتی بدید
گذشت که من فلان چیز میخورم و منفعتی
بمن ننماید این کس بر صفت بهایم
معطل که هر غرض شهوت نیست گردد و صباح
برخیزد و قصد جماع کند و شب غافل بخسبند

و از احوال خود و نیک و بد خبر ندارد و بدان
ای مؤمن که در ذاکر بجنایت اول عقوبت
باید در دزدی کم نماید اما هرگاه عقوبت نیابد
گستاخ و دلیر گردد و بدر دزدی کردن
عادت کند و از عاقبت اندیشه نکند
آخر الامر گرفتار شود و بجزا رسد چون عمر
ضایع شود تأسف سود ندارد و تحسر فایده
که چرا چنین کردم و همچنین مباشرت
کردن باید که بدین منوال طریقه صحبت
نگاه داری و نفس خود را در قفس بسته داری

بجهة تحفه بزم ارم نظم سرکار عزت مدار مسیحای
زمان و افلاطون دوران سرور معظم صاحب
مکرم حکیم باشی دولت علیه ایران و حافظ الصحه
آقا میرزا موسی خان سلمه دام الله تعالی اقباله این
رساله مبارکه موسومه بدینیه رضویه علیه
و علی آبائه الطاهرین من الله الاف الصلوة
والسلام و التحیه بیتمت تحریر و صورت اتمام
که بجهة تیمن و تبرک صاحب زاده معظم لا میرزا مسیح خان
در ابتدای تعلم شروع با آن نمایند
و کتبه العبد الفقیر الحقیر حسین الموسوی


فی سنة تسعه و ثمانین و مأتین بعد الالف
من الهجرة النبویه صلی الله علیه و آله و سلم

88
37
18

36

BLANK PAGES

BLANK PAGES

19

38

20

BLANK PAGES

21

05

BLANK PAGES

BLANK PAGE

Foliated 1/11/90
JM



END OF REEL

PLEASE REWIND